

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۱

آیه ۲۵-۲۸

آیه و ترجمه

ان الذین ارتدوا علی ادبرهم من بعد ما تبین لهم الهدی الشیطن سول لهم و
 اءملی لهم ۲۵
 ذلک بآءنهم قالوا للذین کرهوا ما نزل الله سنطیعکم فی بعض الامر و الله یعلم
 اسرارهم ۲۶
 فکیف اذا توفتهم الملائكة یضربون وجوههم و ادبرهم ۲۷
 ذلک بآءنهم اتبعوا ما اءسخط الله و کرهوا رضونه فآءحبطاء عملهم ۲۸
 ترجمه :

۲۵ - کسانی که بعد از روشن شدن حق پشت کردند شیطان اعمال زشتشان را
 در نظرشان زینت داده، و آنها را با آرزوهای طولانی فریفته است.
 ۲۶ - این بخاطر آن است که آنها به کسانی که نزول وحی الهی را کراهت
 داشتند گفتند ما در بعضی از امور از شما پیروی می کنیم، در حالی که
 خداوند اسرار آنها را می داند.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۲

۲۷ - حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت
 آنها می زنند (و قبض روحشان می کنند).
 ۲۸ - این بخاطر آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می آورد پیروی
 کردند و آنچه را موجب خشنودی او است کراهت داشتند لذا اعمالشان را حبط
 و نابود کرد.

تفسیر:

چرا در قرآن تدبر نمی کنند؟!

این آیات همچنان به بحث پیرامون منافقان و موضعگیریهای مختلف آنها ادامه
 می دهد، می فرماید: «کسانی که بعد از روشن شدن حق بازگشتند و پشت
 کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده، و آنها را به آرزوهای
 دور و دراز فریفته است» (ان الذین ارتدوا علی ادبارهم من بعد ما تبین لهم

الهدی الشیطان سول لهم و املی لهم).
گر چه بعضی احتمال داده‌اند که این آیه پیرامون جمعی از کفار اهل کتاب سخن می‌گوید که قبل از قیام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نشانه‌های او را بر اساس کتب آسمانی‌شان می‌شمردند و سخت در انتظار او بودند، اما بعد از قیام او و روشن شدن این نشانه‌ها به او پشت کردند و شهوات و منافع مادی، مانع ایمانشان شد.

ولی قرائنی که در آیات قبل و بعد است به خوبی نشان می‌دهد این آیه نیز درباره منافقان سخن می‌گوید که نزدیک آمدند و دلائل حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به وضوح دیدند و شنیدند، ولی به خاطر هواپرستی و تسویلات شیطانی به آن پشت کردند.

«سول» از ماده «سؤل» (بر وزن قفل) به معنی حاجتی است که نفس آدمی نسبت به آن حریص است و «تسویل» معنی ترغیب و تشویق نسبت به اموری که

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۳

به آن حریص است، و نسبت این امر به شیطان به خاطر وسوسه‌هایی است که او در جان انسان می‌کند، و مانع هدایت او می‌شود.

جمله و املی لهم از ماده «املاء» به معنی ایجاد طول امل و آرزوهای دور و دراز است که انسان را به خود مشغول داشته و از حق باز می‌دارد.
آیه بعد علت این تسویلات و تزیینات شیطانی را چنین شرح می‌دهد: «این بخاطر آن است که آنها به کسانی که از نزول وحی الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اسلام ناراحت بودند گفتند ما در بعضی از امور از شما پیروی می‌کنیم» (ذلک بانهم قالوا للذین کرهوا ما نزل الله سنطیعکم فی بعض الامر).

کار منافق همین است که به دنبال افراد سرخورده و مخالف می‌گردد، و اگر در تمام جهات با او قدر مشترک نداشته باشد به همان مقدار که وجوه مشترک موجود است همکاری، بلکه اطاعت می‌کند.

منافقان مدینه نیز به سراغ یهود آمدند، یهود «بنی نضیر» و «بنی قریظه» که پیش از بعثت پیامبر از مبلغان اسلام بودند، اما بعد از ظهورش بخاطر حسد و کبر و به خطر افتادن منافعشان ظهور اسلام را ناخوشایند دانستند، و از آنجا که مخالفت با پیامبر اسلام و توطئه ضد او قدر مشترکی در

میان منافقان و یهود بود قول همکاری به آنها دادند.
تعبیر «فی بعض الامر» شاید اشاره به این است که ما تنها در این قسمت با شما همکاری می‌کنیم، ولی شما با بت پرستی مخالفید، و معتقد به رستاخیز هستید، ما در این امور با شما همراه نیستیم.
این سخن شبیه چیزی است که در آیه ۱۱ سوره حشر آمده: الم ترالی

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۴

الذین نافقوا يقولون لآخوانهم الذين كفروا من اهل الكتاب لئن اخرجتم لنخرجن معكم و لا نطيع فيكم احدا ابدا و ان قوتلتهم لننصرنكم: «آیا ندیدید منافقان را که به برادران کافرشان از اهل کتاب می‌گویند اگر شما از این بلاد کوچ کنید ما هم با شما می‌آئیم، و از هیچکس در مخالفت با شما اطاعت نخواهیم کرد، و اگر با شما پیکار کنند یاریتان خواهیم کرد»!
در پایان آیه آنها را با عبارتی کوتاه تهدید کرده، می‌گوید: «خداوند مخفی کاریها و اسرار آنها را می‌داند» (و الله يعلم اسرارهم).
هم از کفر باطنی آنها و نفاقشان آگاه است، و هم از توطئه‌چیننها با کمک یهود، و به موقع آنها را مجازات خواهد کرد.
و نیز از آنچه یهود از حسادت و دشمنی و عناد مخفی می‌داشتند آگاه است آنها طبق گواهی کتابشان چنان از نشانه‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آگاه بودند که او را همچون فرزند خود می‌شناختند، و این نشانه‌ها را قبلا بر ملا می‌گفتند، ولی بعد از ظهورش همه را مخفی و پنهان کردند خدا از این پنهانکاری آگاه است.
در حدیثی از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) آمده است که منظور از «کرها ما نزل الله» بنی امیه هستند که نزول فرمان خداوند را درباره ولایت علی (علیه السلام) ناخوش داشتند.
روشن است که این نوعی تطبیق و بیان مصداق است نه انحصار مفهوم آیه.
آیه بعد در حقیقت توضیحی است برای این تهدید سربسته می‌فرماید: «حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان مرگ روحشان را قبض

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۵

می‌کنند در حالی که بر صورت و پشت آنها می‌زنند» (فکیف اذا توفتهم الملائكة يضربون وجوههم و ادبارهم).

آری این فرشتگان ماء‌مورند که در آستانه مرگ مجازات آنها را شروع کنند تا طعم تلخ کفر و نفاق و لجاجت و عناد را بچشند، به صورت آنها می‌کوبند، برای این که رو به سوی دشمنان خداریافته‌اند، و بر پشت آنها می‌زنند بخاطر این که به آیات الهی و پیامبرش پشت کردند.

این معنی شبیه چیزی است که در آیه ۵۰ سوره انفال درباره کفار و منافقین آمده است: و لو تری اذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم و ادبارهم و ذوقوا عذاب الحريق: «اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان مرگ جان آنها را می‌گیرند، و بر صورت و پشت آنها می‌زنند، و می‌گویند: بچشید عذاب سوزنده را....».

در آخرین آیه مورد بحث باز به بیان علت این عذاب الهی در آستانه مرگ آنها پرداخته می‌گردد: «این عذاب و کیفر به خاطر آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می‌آورد پیروی کردند، و آنچه را موجب خشنودی او است کراهت داشتند، لذا خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد» (ذلک بانهم اتبعوا ما اسخط الله و کرهوا رضوانه فاحبط اعمالهم).

چرا که شرط قبولی اعمال و هر گونه تلاش و کوشش رضای خدا است، بنابراین طبیعی است که اعمال کسانی که اصرار در خشم خدا دارند و مخالف با رضای او هستند نابود گردد، و با دست خالی، و کوله‌بار عظیمی از گناهان این جهان را وداع گویند.

حال این گروه درست مخالف وضعی است که مؤمنان دارند که فرشتگان

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۶

رحمت در آستانه مرگ به استقبال آنها می‌آیند، با روی گشاده به آنها می‌گویند: سلام بر شما باد، هم اکنون وارد بهشت شوید بخاطر اعمالی که انجام می‌دادید: «الذین تتوفاهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون» (نحل - ۳۳).

قابل توجه این که در مورد خشم الهی جمله به صورت فعلیه آمده است (ما اسخط الله) و در مورد خشنودی او به صورت اسمیه (رضوانه).

بعضی از مفسران گفته‌اند این تفاوت تعبیر لطیفه‌ای در بردارد، و آن اینکه خشم خدا گاهگاه است، و رضا و رحمتش مستمر است و مدام.

این نکته نیز روشن است که خشم و غضب و سخط در مورد خداوند به معنی تاثیر نفسانی نیست، همانگونه که رضای او نیز به معنی انبساط روح نمی‌باشد،

بلکه همانگونه که در حدیث امام صادق (علیه السلام) آمده «غضب الله عقابه و رضاه ثوابه»: «خشم خدا عقاب او است، و رضای او ثواب او».

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۷

آیه ۲۹-۳۱

آیه و ترجمه

اَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ اَنْ لَّنْ يَخْرُجَ اللَّهُ اِضْغَنِهمْ ۲۹
وَلَوْ نَشَاءُ لَارَيْنَکَهمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِیمِهِمْ وَلَتَعْرِفَنَهُمْ فِی لَحْنِ الْقَوْلِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ
اَعْمَالَکُمْ ۳۰

و لنبلونکم حتی نعلم المجہدین منکم و الصبرین و نبلاؤاخبارکم ۳۱

ترجمه :

۲۹ - آیا کسانی که در دلهایشان بیماری است گمان کردند خداکینه‌هایشان را
ظاهر نمی‌کند؟!

۳۰ - و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان می‌دهیم تا آنها را باقیافه‌هایشان
بشناسی، هر چند می‌توانی از طرز سخنانشان آنها را بشناسی، و خداوند اعمال
شما را می‌داند.

۳۱ - ما همه شما را قطعاً آزمایش می‌کنیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و
صابران از میان شما کیانند؟ و اخبار شما را بیازمائیم.

تفسیر:

منافقان را از لحن گفتارشان می‌توان شناخت

در این آیات باز هم به بحثی دیگر از صفات و نشانه‌های منافقین اشاره می‌کند.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۸

و مخصوصاً بر این معنی تأکید دارد که اینها تصور نکنند برای همیشه
می‌توانند چهره درونی خود را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مؤمنان
مکتوم دارند، و خود را از رسوائی بزرگ برهانند.

نخست می‌گوید: «آیا کسانی که در دلهایشان بیماری است گمان کردند
خدا کینه‌های شدیدشان را ظاهر نمی‌سازد؟! (ام حسب الذين فی قلوبهم
مرض ان لن یرج الله اضعانهم).

«اضغان» جمع «ضغن» (بر وزن حرص، و همچنین برون عقد) به
معنی کینه شدید است.

آری آنها در درون دل کینه شدیدی نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مؤمنان داشته و همیشه منتظر فرصتی بودند که ضربه‌ای بر آنها وارد کنند، قرآن به آنان هشدار می‌دهد، تصور نکنند همیشه می‌توانند چهره واقعی خود را مکتوم دارند.

لذا در آیه بعد می‌افزاید: «اگر بخواهیم آنها را به تو نشان می‌دهیم، تا آنها را با قیافه‌هایشان بشناسی!» (و لو نشاء لاریناکهم فلعرفتهم بسیماهم). در چهره‌های آنها علامتی می‌گذاریم که با مشاهده آن علامت از نفاقشان آگاه شوی، و به «راءى العين» آنها را ببینی. سپس می‌افزاید: «هر چند الان هم می‌توانی از طرز سخنانشان آنها را بشناسی» (و لتعرفنهم فى لحن القول). «راغب» در «مفردات» می‌گوید: «لحن» عبارت از این است که سخن را از قواعد و سنن خود منحرف سازند، یا اعراب خلافی به آن دهند، و یا از صورت صراحت به کنایه و اشاره بکشانند، و منظور در آیه مورد بحث همان معنی

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۷۹

سوم است یعنی این منافقان بیمار دل را از کنایه‌ها و نیشها و تعبیرات موزیانه و منافقانه‌شان می‌توان شناخت.

هر جا سخن از جهاد است آنها به نحوی در تضعیف اراده مردم می‌کوشند، هر جا سخن از حق و عدالت است آن را به سوی دیگری منحرف می‌سازند، و آنجا که از نیکان و پاکان و پیشگامان اسلام سخن به میان می‌آید به نحوی می‌کوشند آنها را لکه‌دار و کم اعتبار کنند.

لذا در حدیث معروفی از «ابو سعید خدری» نقل شده است که می‌گوید: لحن القول بغضهم علی بن ابی طالب، و کنا نعرف المنافقین علی عهد رسول الله ببغضهم علی بن ابی طالب: «منظور از «لحن القول» بغض علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، و ما منافقان را در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از طریق عداوت با علی (علیه السلام) می‌شناختیم».

آری این یکی از نشانه‌های بارز منافقان بود که نسبت به اولین مؤمن از میان مردان، و نخستین پیشگام جانباز اسلام عداوت می‌ورزیدند.

اصولا ممکن نیست انسان چیزی را در دل داشته باشد و بتواند برای مدت طولانی آن را چنان مکتوم دارد که حتی در کنایات و اشارات و لحن کلام او

ظاهر نشود، لذا در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم: ما
اضر احد شیئا

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۰

الا ظهر فی فلتات لسانه و صفحات وجهه: «هیچکس چیزی را در دل پنهان
نمی کند مگر اینکه در سخنانی که از دهان او ناآگاه می پرد و صفحه صورتش
آشکار می شود».

در آیات دیگر قرآن سخنان مودیان منافقان که مصداق این لحن القول است، یا
حرکات مشکوک آنها، نقل شده است، و شاید به همین دلیل بعضی از مفسران
گفته اند که بعد از نزول آیه مورد بحث دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و
سلم) به خوبی منافقان را از نشانه های آنها می شناخت.

شاهد گویای این سخن اینکه به آن حضرت دستور داده شد که هرگاه یکی از
آنها از دنیا برود بر او نماز نخواند، و کنار قبرش برای دعا و طلب آمرزش
نایستد: «و لا تصل علی احد منہم مات ابد او لا تقم علی قبره» (توبه - ۸۴).

مخصوصا از مواقعی که منافقان به خوبی چهره واقعی خود را آشکار می کردند
موقع جهاد بود، قبل از جنگ به هنگام جمع آوری کمکها و آماده شدن برای
میدان نبرد، و در میدان جنگ به هنگام حملات شدید دشمن، و بعد از جنگ به
هنگام تقسیم غنائم که در آیات فراوانی از قرآن مجید مخصوصا در سوره توبه و
احزاب به آنها اشاره شده است، و کار به جایی رسیده بود که حتی افراد عادی
مسلمانان نیز منافقان را در این صحنه های شناختند.

امروز هم شناختن منافقان از لحن قول و موضع گیریهای خلافشان در مسائل
مهم اجتماعی، و مخصوصا در بحرانها یا جنگها کار مشکلی نیست و با کمی
دقت از گفتار و رفتارشان شناسائی می شوند. و چه خوب است مسلمانان بیدار
باشند و از این آیه الهام گیرند و این گروه خطرناک و کینه توز را بشناسند
و افشا کنند.

در پایان آیه می افزاید: «خداوند اعمال همه شما را می داند» (و الله یعلم

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۱

اعمالکم).

هم اعمال مخفی و آشکار مؤمنان، و هم اعمال منافقان را، به فرض که بتوانند
چهره اصلی خود را از مردم پنهان دارند آیا از خدا که در ظاهر و باطن و خلوت

و جلوت با آنها است می توانند مکتوم دارند؟! در آیه بعد برای تاءکید بیشتر و نشان دادن طرق شناخت مؤمنان از منافقان می افزاید: «ما همه شما را قطعاً آزمایش می کنیم، تا معلوم شود مجاهدان واقعی شما و صابران کیانند» و مجاهدانها و سست عنصران منافق کیان؟! (و لنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرين).

گرچه این آزمایش دامنه وسیع و گسترده ای دارد و صبر و شکیبائی در انجام همه وظائف را شامل می شود ولی به تناسب کلمه مجاهدین، و آیات قبل و بعد بیشتر منظور آزمایش در میدان جهاد است، و راستی میدان جهاد میدان آزمایش بزرگ و سختی است، و کمتر کسی می تواند چهره واقعی خود را در چنین میدانهای از نظرها مستور دارد.

و در ذیل آیه می فرماید: علاوه بر اینکه شما را می آزمائیم «اخبار شما را نیز آزمایش می کنیم» (و نبلواخبارکم).

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از «اخبار» در اینجا اعمال انسانها است، چرا که وقتی عملی از انسان سر می زند به صورت «خبر» در میان مردم پخش می شود، بعضی نیز گفته اند منظور از «اخبار» در اینجا اسرار درونی است، چرا که اعمال مردم از این اسرار خبر می دهد. این احتمال نیز وجود دارد که «اخبار» در اینجا به معنی خبرهایی است که مردم از وضع خود یا از تعهدات خویش می دهند، مثلاً منافقان با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عهد کرده بودند که پشت به میدان نبرد نکنند در حالی که عهد و پیمان

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۲

خود را شکستند: و لقد کانوا عاهدوا الله من قبل لا یولون الادیبار (احزاب - ۱۵). و نیز «بعضی از آنها از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه بازگشت از میدان جهاد می طلبیدند و می گفتند خانه های ما بدون حفاظ است در صورتی که بدون حفاظ نبود هدفشان این بود که فرار کنند»! و یستاذن فریق منهم النبی یقولون ان بیوتنا عورة و ما هی بعورة ان یریدون الا فرارا (احزاب - ۱۳).

به این ترتیب خداوند هم اعمال انسانها را می آزماید و هم گفتار و اخبار آنها را. مطابق این تفسیر این دو جمله در آیه مورد بحث دو معنی متفاوت دارد، در حالی که طبق تفسیرهای قبل تاءکید یکدیگر است.

به هر حال این نخستین بار نیست که خداوند به مردم اعلام می کند که شما را می آزمائیم تا صفوفتان از هم مشخص شود، و مؤمنان راستین از ضعیف الایمانها و منافقان شناخته شوند، در آیات فراوانی از قرآن این مساءله ابتلاء و امتحان مطرح شده است.

مسائل مربوط به آزمایش الهی را در جلد اول ذیل آیه ۱۵۵ بقره (صفحه ۵۲۴ تا ۵۳۵) بحث کرده ایم و همچنین در جلد ۱۶ آغاز سوره عنکبوت مشروحا آمده است.

ضمنا جمله: «حتى نعلم المجاهدين منكم» (تا مجاهدان شما را بشناسیم) به این معنی نیست که خداوند از این گروه آگاهی ندارد بلکه منظور تحقق این معلوم الهی است و مشخص شدن این گونه افراد است، یعنی تا این علم الهی تحقق خارجی یابد و عینیت حاصل کند و صفوف مشخص شود.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۳

آیه ۳۲-۳۴

آیه و ترجمه

ان الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله و شاقوا الرسول من بعد ماتبین لهم
الهدی لن یضروا الله شیا و سیحبط اءعملهم ۳۲
یاءئیه الذین ءامنوا ءطیعوا الله و ءطیعوا الرسول و لا تبطلوا ءعملکم ۳۳
ان الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله ثم ماتوا و هم کفار فلن یغفر الله لهم ۳۴
ترجمه :

۳۲ - کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن شدن حق به مخالفت با رسول خدا برخاستند هرگز زیانی به خدا نمی رسانند، و به زودی اعمالشان را نابود می کند.
۳۳ - ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا، و اطاعت کنید رسول خدا را، و اعمال خود را باطل مسازید!
۳۴ - کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند سپس در حال کفر از دنیا رفتند خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۴

تفسیر:

آنها که در حال کفر بمیرند هرگز بخشوده نخواهند شد

بعد از بحثهای گوناگونی که پیرامون وضع منافقان در آیات گذشته بیان شد، این آیات پیرامون جمع دیگری از کفار بحث می‌کند، و می‌فرماید: «کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن شدن حق به مخالفت با رسول خدا برخاستند، هرگز زیانی به خدا نمی‌رسانند، و اعمالشان را حبط و نابود می‌کند» (حتی اگر کار خیری هم انجام داده‌اند چون باایمان قرین نبوده حبط می‌شود) (ان الذین كفروا و صدوا عن سبیل الله و شاقوا الرسول من بعد ما تبين لهم الهدی لن یضروا الله شیئا و سیحبط اعمالهم).

این گروه ممکن است همان مشرکان مکه باشند، و یا کفار یهود مدینه، و یا هر دو، زیرا تعبیر به «کفر» و «صد عن سبیل الله» (بازداشتن مردم از راه خدا) و «شاقوا الرسول» (مخالفت و دشمنی با پیامبر) در مورد هر دو گروه در آیات قرآن آمده است.

تعبیر به «تبیین هدایت» در مورد مشرکان مکه از طریق معجزات بود، و در مورد کفار اهل کتاب از طریق کتاب آسمانی‌شان. حبط اعمال آنها یا اشاره به کارهای نیکی است که احیاناً انجام می‌دادند، مانند میهمان نوازی، انفاق و کمک به ابن السبیل، و یا اشاره به عقیم ماندن نقشه‌های آنها بر ضد اسلام است.

به هر حال این گروه دارای سه وصف بودند «کفر» و «صد عن سبیل الله» و «دشمنی و عداوت با پیامبر» که یکی مخالفت با خدا بود، و دیگری با بندگان خدا، و دیگری با رسول خدا.

در آیه بعد روی سخن را به مؤمنان کرده، و بعد از بیان خطوط منافقین

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۵

و کفار خط آنها را نیز چنین تبیین می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید رسول خدا را، و اعمال خود را باطل مسازید» (یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و لا تبطلوا اعمالکم). در حقیقت برنامه مؤمنان در همه چیز نقطه مقابل گروه کافر و منافق است آنها مخالفت فرمان خدا می‌کنند، و اینها اطاعت، آنها به عداوت و دشمنی با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برمی‌خیزند و اینها فرمانبردارند، آنها اعمالشان بر اثر کفر و ریا و منت و مانند آن نابود می‌شود اما اینها با ترک این امور پاداش اعمالشان در پیشگاه خدا محفوظ است.

به هر حال لحن آیه نشان می‌دهد که در میان مؤمنان آن روز نیز افرادی بوده‌اند که در مساءله اطاعت خداوند و رسول و حفظ اعمالشان از باطل شدن کوتاهی‌هایی داشته‌اند که خداوند با این آیه به آنها اخطار می‌کند. شاهد این سخن شان نزولی است که بعضی از مفسران درباره این آیه نقل کرده‌اند که «بنی‌اسد» اسلام آوردند و خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشتند ما تو را بر خود مقدم داشته‌ایم، و جان و خانواده خویش را در اختیار تو گذارده‌ایم، ولی از لحن گفتارشان یک نوع منت گذاری استفاده می‌شد، آیه فوق نازل گشت و به آنها در این زمینه هشدار داد. بعضی از فقها به جمله اخیر (و لا تبطلوا اعمالکم) برای حرمت شکستن نماز استدلال کرده‌اند، ولی همانگونه که آیات قبل و بعد، و خود آیه مورد بحث گواهی می‌دهد مربوط به این معنی نیست، بلکه هدف عدم ابطال از طریق شرک و ریا و منت و امثال آن است. آخرین آیه مورد بحث توضیح و تاءکید است برای آنچه در آیات قبل پیرامون کفار آمده است، و در ضمن راه بازگشت را به آنها که مایل باشند نشان

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۶

می‌دهد، می‌فرماید: «کسانی که کافر شدند و مردم را نیز از پیمودن راه خدا باز داشتند سپس در همان حال کفر از دنیا رفتند خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید!» (ان الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله ثم ماتوا و هم کفار فلن یغفر الله لهم).

چرا که با مرگ درهای توبه بسته می‌شود، اینها بار سنگین کفر خودشان و اضلال و گمراهی دیگران را هر دو بر دوش می‌کشند، چگونه امکان دارد خداوند آنها را ببخشد؟.

و به این ترتیب در مجموع این آیات، از سه گروه سخن به میان آمده است: منافقان، کفار، و مؤمنان، و صفات هر کدام و سرنوشت هر یک مشخص شده است.

نکته:

عوامل نابودی ثواب عمل

از نکات حساسی که در آیات مختلف قرآن از جمله آیه مورد بحث، به آن هشدار داده شده این است که مؤمنان مراقب باشند که اعمالشان همچون کفار حبط و نابود نشود.

و به تعبیر دیگر اصل عمل مطلبی است، و نگاهداری آن مطلبی مهمتر، یک عمل پاک و سالم و مفید عملی است که از آغاز سالم و بی عیب باشد و محافظت و مراقبت از آن تا پایان عمر بشود. عواملی که اعمال آدمی را به خطر می افکند یا نابود می سازد بسیار است از جمله:

۱ - «منت گذاردن و آزار دادن است»، چنانکه قرآن می گوید: یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی کالذی ینفق ماله

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۷

رءاء الناس و لا يؤمن بالله و الیوم الآخر: «ای کسانی که ایمان آورده اید انفاقها و بخشش های خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد» (بقره - ۲۶۴).

در اینجا دو عامل بطلان عمل یکی «منت و آزار» و دیگری «ریا و کفر» مطرح شده است که اولی بعد از عمل می آید، و دومی مقارن آن، و اعمال نیک را به آتش می کشند.

۲ - «عجب» عامل دیگری است برای نابودی آثار عمل، چنانکه در حدیث آمده است العجب یا کل الحسنات کما تاکل النار الحطب: «عجب حسنات انسان را می خورد همانگونه که آتش هیضم را»!

۳ - «حسد» نیز یکی از این گونه اعمال است که درباره آن نیز تعبیری شبیه به «عجب» آمده که همچون آتش، حسنات را نابود می کند، پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ایاکم و الحسد فان الحسد یا کل الحسنات کما تاکل النار الحطب.

اصولا همانگونه که حسنات، سیئات را از بین می برد (ان الحسنات یدھبن السیئات) (سوره هود - ۱۱۴) همچنین گاهی سیئات، حسنات را به کلی از اثر می اندازد.

۴ - مسأله حفظ ایمان تا پایان عمر مهمترین شرط بقای آثار عمل است چرا که قرآن به صراحت می گوید: «کسانی که بی ایمان از دنیا بروند تمام اعمالشان حبط و نابود می شود».

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۸۸

از اینجا است که به اهمیت و مشکلات مساءله نگهداری اعمال پی می بریم، و لذا در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده که فرمود: الا بقاء علی العمل اشد من العمل، قال و ما الابقاء علی العمل؟ قال یصل الرجل بصله و ینفق نفقة لله وحده و لا شریک له، فکتب له سرا ثم یذکرها فتمحی فتکتب له علانیة، ثم یذکرها فتمحی و تکتب له ریاة!:

«نگهداری عمل از خود عمل سختتر است».

راوی سؤال می کند منظور از نگهداری عمل چیست.

پاسخ فرمود انسان بخشی می کند و یا انفاقی در راه خداوندیکتا و به عنوان یک انفاق پنهانی برای او ثبت می شود، سپس درجائی آنرا مطرح می کند این انفاق پنهانی حذف می شود و بجای آن انفاق آشکار نوشته می شود، دگر بار در جائی دیگر آنرا مطرح می کند باز حذف می شود و به عنوان ریا نوشته می شود!.

آیه مورد بحث اشاره سربستههای به همه این امور کرده می گوید: ولا تبطلوا اعمالکم.

← بعد

↑ فترت

→ قبل